

## Applying the, Thematic Analysis Method, in Reviewing and Comparing the Status of 'Thought' in the Quran & Psychology

*Mohammad Kavyani* (Research Institute of Hawzeh and University, m\_kavyani@rihu.ac.ir )

*Mostafa Nazari* (Al-Mustafa International University (PBUH), Sadra4@gmail.com)

---

### ARTICLE INFO

---

#### Article History

Received: 2021/4/14

Accepted: 2021/7/12

#### Key Words:

Theme analysis,  
theme network,  
qualitative research method,  
Quranic research,  
Quran based psychology

### ABSTRACT

---

In recent decades, despite the respect for quantitative and integrated methods, there has been a growing interest in qualitative research methods by researchers. Among the various qualitative methods, only some of them can be used in reading the text, one of which is the “content analysis” method. The purpose of this research is to introduce this method, through its application in Quranic-psychological study, about the word “thought” as an example.

The data collection method of this research was library and the data analysis method was rational analysis. First, the method of analyzing the theme and its sub-categories is introduced, and then, the verses related to the subject of “thought” are collected using the theme network method. Then we extract the “basic themes” from the Qur'an and through them, we reach the “organizing themes” and finally the “all-encompassing themes”.

In the final step, the Qur'anic results obtained on “thought” are compared with the psychological structure of “thought”. The findings of the Qur'anic study provided two comprehensive themes of “origin” and “resurrection”, and a comparative study showed that the purpose of thinking in the science of psychology is to restore “psychological balance”; While the purpose of “thought” in the Qur'an is “happiness in the hereafter”; Also, thinking in its Quranic meaning gives identity, direction and meaning to human life, while in its psychological meaning, thinking is a process that helps him in evaluating, concluding and deciding. It also turned out that the “method of content analysis” is very effective in the study of “Quran-based psychology”.

## کاربست روش تحلیل مضمون در بررسی و مقایسه جایگاه «فکر» در روان‌شناسی قرآن بنیان

محمد کاویانی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، نویسنده مسئول؛ m\_kavyani@rihu.ac.ir)

مصطفی نظری (جامعه المصطفی العالمیه؛ Sadra4@gmail.com)

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۱

### واژگان کلیدی:

تحلیل مضمون (تحلیل تم)،

شبکه مضامین،

روش پژوهش کیفی،

قرآن پژوهی،

روان‌شناسی قرآن بنیان

### چکیده

در دهه‌های اخیر، با وجود احترام به روش‌های کمی و تلفیقی، اقبال روزافزونی به روش‌های پژوهش کیفی توسط پژوهشگران صورت گرفته است. در بین روش‌های کیفی متعدد نیز فقط بعضی از آنها را می‌توان در مطالعه متن، به کار گرفت که یکی از آن روش‌ها عبارت است از روش «تحلیل مضمون». هدف این پژوهش عبارت است از معرفی این روش، از طریق کاربرد آن در مطالعه قرآنی-روان‌شناختی، در باب واژه «فکر» به عنوان یک نمونه.

روش گردآوری داده‌های این پژوهش کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌ها، تحلیل عقلی بوده است. ابتدا، روش تحلیل تم و زیرمجموعه‌های آن معرفی شده و سپس، آیات مرتبط با موضوع «فکر» با استفاده از شیوه شبکه مضامین جمع‌آوری شده است. آنگاه «مضامین پایه‌ای» از قرآن استخراج و از طریق آنها، به «مضامین سازمان‌دهنده» و در نهایت به «مضامین فراگیر» دست یافته‌ایم. در گام پایانی، نتایج به دست آمده قرآنی در باب «فکر»، با سازه روان‌شناختی «فکر»، بررسی تطبیقی شده است. یافته‌های پژوهش قرآنی، دو مضمون فراگیر «مبدأ» و «معاد» را به دست داد و مطالعه تطبیقی، معلوم کرد که هدف تفکر در دانش روان‌شناسی بازبایی «تعادل روانی» است؛ در حالی که هدف «فکر» در قرآن، عبارت است از «سعادت اخروی»؛ همچنین تفکر در معنای قرآنی خویش به زندگی انسان هویت، جهت و معنا می‌دهد در صورتی که در معنای روان‌شناختی آن، تفکر فرایندی است که در ارزیابی، نتیجه‌گیری و تصمیم به او کمک می‌کند و نیز معلوم شد که «روش تحلیل مضمون» کارایی زیادی در مطالعات «روان‌شناسی قرآن بنیان» دارد.

## مقدمه

دورویکرد کمی و کیفی در پژوهش، همواره محل مناقشه، هم‌وردی و گاه امتزاج یا قیام علیه یکدیگر بوده‌اند. در آستانهٔ قرن ۲۱ میلادی، با ایجاد «جامعهٔ دانایی محور»<sup>۱</sup> تحت عنوان افق نوین و چشم‌انداز جدید، شتاب بیشتری به سمت پژوهش کیفی ایجاد و استفاده از این رویکرد مورد امعان نظر بیشتری واقع شد. الگو و ماهیت پژوهش کمی در علوم انسانی و رفتاری، از علوم مادی و فیزیکی گرفته شده است و هدف از آن ایجاد و انشای نظریه و اصول آن، با بررسی صحت آنها می‌باشد (رضوی و همکاران، ۱۳۹۲).

بعضی از محققان کیفی به دلیل اینکه تقلید از راهبردهای تحقیقی علوم فیزیکی را اشتباه می‌دانند، روش علمی کمی را رد می‌کنند؛ چون به نظر آنها رفتار انسان متفاوت از موضوع مورد مطالعه شیمی دانان، زیست‌شناسان و فیزیک‌دانان است. به‌نظر بعضی از پژوهشگران کیفی، پذیرفتن روش‌های علوم طبیعی، دانشمندان اجتماعی را وادار می‌کند که همه چیز را اندازه‌گیری کنند؛ اما چیزی را درک نمی‌کنند. به نظر آنها توسعه و آزمون نظریه‌های انتزاعی با استفاده از روش‌های کمی به دلیل وفادار بودن پژوهشگر به چارچوب نظری، موجب سوء برداشت از واقعیت اجتماعی می‌شود (علی دلاور، ۱۳۸۹).

در یک نگاه کلی فقط به چند تفاوت عمده بین روش‌های پژوهش کمی و کیفی اشاره می‌شود. بعضی از این تفاوت‌ها عبارت‌اند از تفاوت در: ۱. پارادایم‌های بنیادین هر کدام؛ ۲. «درونی» یا «بیرونی» بودن پژوهشگر؛ ۳. ساختار یافته بودن یا نبودن طرح تحقیق؛ ۴. بازنمایی داده به صورت «متنی» یا «عددی»؛ ۵. تحلیل «مضمون‌ها» یا «آمارها»؛ ۶. بازنمایی یافته‌ها در قالب «روایت» یا «جدول و نمودار»؛ ۷. پژوهش در «ارزش‌ها، عواطف، انگیزه‌ها، فرهنگ و...» یا «رفتار محسوس، مشهود، عینی و...»؛ ۸. انجام مطالعه به صورت «ذهنی» یا «عینی»؛ ۹. بررسی عواملی مثل «اهداف، مفاهیم، فرایندها،...» یا «تعداد محدودی از متغیرها که از قبل تعیین شده‌اند»؛ ۱۰. تلاش به منظور «دستیابی به تفهم و شناخت درون‌نگرانه و درک الگوها و نظام معنایی...» یا به‌منظور «دستیابی

1. knowledge-based society.

به نمایی از کشف قواعد و اصول و تعمیم آماری به آنها»؛... (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸).

براساس مطالب پیش‌گفته، معلوم شد که روش‌های کیفی و کمی، تفاوت ماهوی دارند؛ اما قابل ذکر است که روش‌های کیفی، نیز در درون خود، متعدد و متنوع هستند، به‌عنوان مثال می‌توان از روش‌های «تحلیل مضمون»، «تحلیل محتوا»، «تحلیل نشانه‌شناختی»، «تحلیل گفتمان»، «تحلیل روایت»، «پدیدارشناسی»، «گراند تئوری»، «تحلیل تاریخی»، «مردم‌نگاری»، «تبارشناسی»، «موردپژوهی»، «اقدام‌پژوهی»؛ «روش پژوهش تطبیقی»، «روش پژوهش واسازی»، «روش پژوهش فمینیسم» نام برد (همان).

همان‌طورکه معمولاً از نام‌گذاری این روش‌ها معلوم می‌شود، این روش‌های کیفی نیز، تعدادی ویژگی‌های مشترک در درون خود دارند که ماهیت کیفی بودن آنها را نشان می‌دهد. به بعضی از این ویژگی‌ها در مقایسه با روش‌های کمی اشاره شد (دنیس هوایت، ۲۰۱۶). بعضی دیگر از این ویژگی‌ها که حالت مقایسه‌ای ندارند، عبارت‌اند از: ۱. تکه‌چینی (چشم‌اندازهای مختلف را که همه آنها ناقص هستند، در کنار هم قرار داده تا یک تحلیل پژوهشی مفید، زیبا، مطلوب و معنادار ایجاد کنند؛ ۲. شبیه قیف بودن (معمولاً از یک سؤال پژوهشی گسترده شروع می‌شود و طیف وسیعی از رفتارها را بررسی می‌کنند؛ ولی به تدریج محدوده تمرکز خود را محدود می‌کنند)؛ ۳. دورانی بودن (پژوهشگر، همواره در کل فرایند پژوهش رفت و برگشت دارد و ارتباط نزدیک میان گردآوری، تفسیر داده‌ها و نتایج را بررسی می‌کند)؛ ۴. آغاز با مفاهیم حساس (منظور مفاهیمی است که پژوهشگر بیشترین هماهنگی را با آنها دارد و آنها را به‌عنوان دیدگاه آغازین به کار می‌گیرد و از طریق آنهاست که پژوهشگر می‌بیند، سازماندهی می‌کند، مسئله پژوهش را تجربه می‌کند...؛ ۵. گشتالت‌نگری (پژوهشگر کیفی، معمولاً به صورت کلی‌نگر و همه‌جانبه، به زمینه و عرصه‌ها توجه می‌کند. مردم معمولاً تمایل دارند که بخش‌های مختلف را در یک سیستم یا فرهنگ یکپارچه در کنار هم قرار داده و به هم ربط دهند) (جی تریسی، ۲۰۱۳).

در بین روش‌های کیفی متعددی که نام برده شد یا نشد، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. بعضی از آنها قابلیت استفاده در

که این نرم‌افزارها ارائه می‌کنند و تحلیل مضامین موجود در متن را تسهیل می‌نمایند (ردادی و همکاران، ۱۳۹۴).

هدف این پژوهش، ظرفیت‌سنجی و معرفی این روش در مطالعات قرآن‌بنیان است. منظور از «قرآن‌بنیان» این است که تمام ارکان یک رشته علمی، گرایش علمی، واحد درسی، یا مفهوم علمی، مبتنی بر قرآن و هماهنگ با آموزه‌های قرآنی باشد. به‌عنوان مثال برای تطبیق این معنا در دانش روان‌شناسی باید گفت که ارکان روان‌شناسی عبارت‌اند از: مبانی نظری، پیش‌فرض‌ها، اهداف نظری، اهداف کاربردی، روش و مسئله‌گزینی آن. اگر روان‌شناسی، در تمام ارکان یادشده، انطباق با قرآن داشته باشد، آن روان‌شناسی، قرآن‌بنیان خواهد بود.

با توجه به اینکه پژوهشگران در موج چهارم<sup>۱</sup> به پژوهش‌های کیفی اقبال چشمگیری داشته‌اند، آشنایی و اقبال پژوهشگران عرصه قرآنی به این شیوه تحقیق (تحلیل مضمون) ضرورت می‌یابد که پایه استفاده از دیگر روش‌های پژوهش‌های کیفی به‌شمار می‌آید.

در این پژوهش، مراحل انجام این روش کیفی برای استخراج شبکه مضمونی «فکر» در نظام اندیشه قرآنی، گام‌به‌گام صورت می‌گیرد. این روش فرایندی است که ورودی آن، در ابتدا، آیات قرآن است و پس از طی فرایند تحلیل مضامین، ما به شبکه‌هایی از مفاهیم می‌رسیم که دارای سطح‌بندی هستند. سطح‌بندی مضامین به این معناست که برخی از مضامین مهم‌تر (که انتزاعی‌تر هم هستند) در جایگاه مرکزی قرار می‌گیرند و دیگر مضامین، پیرامون این مضامین اصلی سازمان می‌یابند. بنابراین چالش محوری این پژوهش، تبیین جایگاه فکر در شبکه مضامین قرآنی است و اینکه چگونه و با استفاده از چه شیوه‌ای می‌توان به این مهم رسید؟

روش تحلیل مضمون در بسیاری از تحقیقات کیفی داخل کشور مورد استقبال پژوهشگران قرار گرفته است. با بررسی‌های

«متن پژوهی» را دارند و بعضی ندارند؛ به‌عنوان مثال، «اقدام پژوهی»، «مردم‌پژوهی»، «موردپژوهی»، «روش‌پژوهش فمینیسم» و... ارتباط مستقیمی با متن پژوهی ندارند و امکان «قرآن‌پژوهی» را برای ما فراهم نمی‌کنند؛ اما بسیاری دیگر از روش‌های کیفی، این ظرفیت را دارند که با رعایت قواعد مسلم تفسیری، زمینه «قرآن‌پژوهی» بیشتر و بهتر را برای ما فراهم کنند.

تحلیل مضمون یکی از روش‌های ساده و کارآمد پژوهش‌های کیفی است. این روش، مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از پژوهش‌های کیفی دیگر را نیز فراهم می‌کند. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست؛ بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به‌کار رود. به‌طورکلی، تحلیل مضمون، روشی است برای: الف. دیدن متن؛ ب. برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب؛ ج. تحلیل اطلاعات کیفی؛ د. مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ؛ ه. تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (مهری و دیگران، ۱۳۹۳).

برای تحلیل مضمون می‌توان از نرم‌افزارهای تحلیل محتوای کیفی نیز بهره گرفت. در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه نرم‌افزارهای تحقیق کیفی، هم به لحاظ تنوع و هم به لحاظ کارایی آنها صورت گرفته است. این امر باعث شده پژوهشگران با سرعت و دقت بیشتر و زمان کمتری تحقیقات را انجام دهند. برخی نرم‌افزارهایی که تحلیل مضمون را می‌توان به کمک آنها انجام داد عبارت‌اند از: Weft QDA, MAXQDA, Quarlus, Kwalitan, CAITA, ATLAS. ti, NVivo

البته واضح است که نرم‌افزارهای رایانه‌ای فقط قادرند در سازماندهی و بازیابی داده‌ها، پژوهشگر را یاری نمایند و در تحلیل محتوای معنا و مفاهیم ناتوان‌اند. استفاده از چنین نرم‌افزارهایی پژوهشگر را قادر می‌کند به‌طور مؤثر و کارآمد با مضامین پیچیده و حجم زیادی از داده‌های کد گذاشته، کار کند. تولید جدول، طرح‌های گرافیکی و تارنما، از جمله خدماتی است

۱. موج چهارم طی دهه‌های اخیر و به‌ویژه پس از خوابیدن خاکستر جنگ جهانی دوم و با گذشتن بشر به عصر فرامردن و تحولات سریع بود و این موج، موج کیفی‌گرایی عمیق با احترام به روش‌های کمی و تلفیقی بود. حاصل این موج مطرح شدن ده‌ها روش پژوهش کیفی بود که عامل نفوذ شکفت پژوهشگران حوزه علوم انسانی، رفتاری و اجتماعی به زوایای ذهنی انسان، شکار نظریات، باورها و پنداشته‌های اعماق اندیشه‌های انسانی بود. این رویکرد از سده بیستم به سده بیست و یکم پا گزارد و قاطبه پژوهشگران رفتاری و اجتماعی، دوباره به پارادایم پژوهش کیفی اقبال نمودند (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸: ۱۱).

صورت گرفته، عموم مقاله‌هایی را که از این روش پژوهشی استفاده کرده‌اند می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: الف. مقاله‌هایی که از تحلیل مضمون و دیگر روش‌های پژوهشی استفاده کرده‌اند (به این معنا که از روش‌های ترکیبی بهره جسته‌اند) مانند آنچه نوشین‌فرد، در «مطالعه مفاهیم اخلاق اجتماعی قرآن کریم به منظور مقوله‌بندی آیات» و یا قاسمی‌زاد، در «شناسایی مؤلفه‌های مدیریت زمان از منظر آموزه‌های اسلامی و اعتباربخشی آن توسط مدیران آموزشگاهی» انجام داده‌اند (نوشین‌فرد و همکاران، ۱۳۹۷). در این‌گونه از مقالات، هم از روش‌های کمی استفاده می‌شود و هم از روش‌های کیفی؛

ب. مقاله‌هایی که صرفاً از روش تحلیل مضمون استفاده کرده‌اند. به دلیل تنوع دسته اول از مقالات، از گزارش تفصیلی پیشینه این موارد چشم می‌پوشیم؛ زیرا مستقیماً به بحث ما مربوط نمی‌شود؛ دسته دوم از مقالات نیز خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: مقالاتی که صرفاً پژوهش قرآنی کرده‌اند؛ یعنی قرآن و آیات قرآنی، محور این مقالات به‌شمار می‌آیند که فهرستی از این مقالات در جدول شماره ۱ آورده شده است؛ مقالاتی که قرآن در آنها محوریت ندارد. اینها در جدول شماره ۲ انعکاس یافته‌اند.

جدول شماره ۱

ردیف	موضوع	نوع تحقیق	پژوهشگر(ان)	نرم‌افزار	تاریخ
۱	ارائه الگوی تعالی سازمانی بر پایه قرآن کریم	علمی پژوهشی	حمیدرضا آراسته و همکاران		۱۳۹۸
۲	تحلیل مضمون تربیت‌بدنی و تقویت قوای جسمانی مبتنی بر آیات قرآن کریم	علمی پژوهشی	جواد قاسمی و همکاران		۱۳۹۷
۳	آسیب‌شناسی روانی از منظر قرآن: تحلیل مضمون	علمی تخصصی	اسماء‌ابراهیمی و همکاران		۱۳۹۶
۴	بایسته‌های هدایت سیاسی در قرآن کریم	علمی تخصصی	محمدحسن آشوری		۱۳۹۴
۵	تحلیل کیفی جایگاه و اخلاق مادری در تفسیر نمونه	عملی ترویجی	حوریه ربانی، امیرحسین بانکی‌پورفرد	maxqda	۱۳۹۵
۶	الگوی خط‌مشی‌گذاری انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم	علمی پژوهشی	رحمان یاسی و همکاران		۱۳۹۵
۷	زنجیره منظم معنایی درون‌مایه‌ها در صحنه‌های داستان یوسف <small>علیه السلام</small> در قرآن کریم	علمی تخصصی	زودرنج، صدیقه، و همکاران		۱۳۹۵
۸	شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مدیر اثربخش فرهنگی از منظر قرآن کریم	علمی پژوهشی	رضا ابراهیم‌زاده دستجردی و همکاران		۱۳۹۹
۹	کشف دلالت‌های اجتماعی سیاسی سوره نمل با روش تحلیل محتوای کیفی	علمی پژوهشی	غلام‌رضا بهروزی‌لک، حسین میرچراغ‌خانی	maxqda	۱۳۹۸
۱۰	مؤلفه‌های نظریه‌های هنر جاری رسانه‌های جمعی در قرآن	علمی پژوهشی	روح‌الله عباس‌زاده و همکاران		۱۳۹۷
۱۱	واکاوی عوامل ایمان‌ناپذیری اقوام از دیدگاه قرآن کریم با روش «تحلیل محتوای مضمونی»	علمی پژوهشی	طیاری‌نژاد و همکاران		۱۳۹۹

جدول شماره ۲

ردیف	موضوع	نوع تحقیق	پژوهشگر(ان)	نرم‌افزار	تاریخ
۱	تدوین الگوی رهبری خدمتگزار از دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	رساله‌دکتری	شیخ‌زاده		۱۳۹۰
۲	تحلیل تماتیک رفتارهای بدنی در بین دختران و زنان تهرانی	علمی پژوهشی	پاک‌سرشت، حسینی، اینانلو		۱۳۹۱
۳	سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک	علمی پژوهشی	مهری، یزدخواستی، پناهی		۱۳۹۳
۴	تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای	علمی پژوهشی	رداد، افتخاری، درخشه		۱۳۹۴
۵	تحلیل تماتیک سبک زندگی در بازی رایانه‌ای سیمز	علمی پژوهشی	مینایی، سیدحسینی		۱۳۹۴
۶	تحلیل تماتیک موانع و مشکلات پیش روی ازدواج جوانان	علمی پژوهشی	رسول‌زاده اقدم، عدلی‌پور، محمدی		۱۳۹۵
۷	تحلیل تماتیک امنیت و آزادی اندیشه از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)	علمی پژوهشی	افتخاری، قاضی‌زاده		۱۳۹۷
۸	زنجیره منظم معنایی درون‌مایه‌ها در صحنه‌های داستان یوسف <small>علیه السلام</small> در قرآن کریم	علمی تخصصی	زودرنج، صدیقه، و همکاران		۱۳۹۵
۹	واکاوی مفهوم مثبت‌اندیشی در آموزه‌های حضرت علی <small>علیه السلام</small> به‌منظور ارائه دلالت‌های تربیتی و اعتبار بخشی آن	علمی پژوهشی	رضا فراش‌بند و همکاران		۱۳۹۹

ردیف	موضوع	نوع تحقیق	پژوهشگر(ان)	نرم‌افزار	تاریخ
۱۰	تحلیل مضمون الگوی پایه اسلامی- ایرانی پیشرفت و کاربرد آن در معماری الگوی بومی توسعه روستایی	علمی پژوهشی	محمد رضا رضوانی		۱۳۹۸
۱۱	تحلیل مضمون تشکیل و توسعه نیروی دریایی راهبردی در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله)	علمی تخصصی	اسماعیل خان احمدی		۱۳۹۹
۱۲	تحلیل مضمون تصویر بازار از منظر اسلام	علمی تخصصی	ابوالفضل جعفری و همکاران		۱۳۹۸
۱۳	تحلیل مضمون سیاست‌های اقتصاد خانواده در ایران	علمی تخصصی	علیرضا معینی		۱۳۹۸
۱۴	تحلیل مضمون عهدنامه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با مالک اشتر	علمی پژوهشی	آتنا بهادری	MAXQDA	۱۳۹۸
۱۵	تدوین الگوی مدیریت جهادی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی)	علمی پژوهشی	قدرت‌الله محمدی و همکاران		۱۳۹۶
۱۶	شبکه مضامین عوامل ایجاد فقر در جامعه اسلامی از منظر آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام)	علمی پژوهشی	امید نصیری و همکاران		۱۳۹۸

مخاطب است. مضمون همان «بن اندیشه» و «درون‌مایه» اثر، پیام یا محتواست. از یک موضوع می‌توان مضامین مختلفی عرضه کرد. از تحلیل مضمون با عناوین «تحلیل موضوعی» و «تحلیل تماتیک» نیز یاد می‌شود (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸).

تحلیل تم نخستین روش تحلیل کیفی است که پژوهشگران باید فراگیرند؛ زیرا این روش، مهارت‌های اصلی را فراهم می‌آورد که برای اجرای بسیاری از روش‌های دیگر تحلیل کیفی لازم است. به‌طور کلی، روش‌های تحلیل کیفی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته نخست، روش‌هایی هستند که عمدتاً از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی تأثیر می‌پذیرند و در نتیجه در کاربرد، دچار محدودیت‌هایی هستند مانند «تحلیل محاوره»،<sup>۱</sup> «تحلیل پدیدارشناسی تفسیری»<sup>۲</sup> و «تحلیل گفتمان».<sup>۳</sup> برخی از این روش‌ها مانند «نظریه‌پردازی داده بنیاد»<sup>۴</sup> از چارچوب نظری کلانی بهره می‌برد؛ دسته دوم روش‌هایی هستند که اساساً مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی هستند و در طیف گسترده‌ای از روش‌های نظری و معرفت‌شناسی می‌توان از آنها استفاده کرد. تحلیل مضمون در این دسته جای می‌گیرد (ردادی و همکاران، ۱۳۹۴).

روش‌های کیفی بسیار متنوع و پیچیده هستند و تفاوت‌های بسیار جزئی و مختصری با هم دارند. تحلیل مضمون را می‌توان

آنچه از نظر زمانی در خصوص این پیشینه قابل ملاحظه است آن است که مشخصاً از دهه ۱۳۹۰ ش به بعد، اقبال قابل توجهی به پژوهش‌های کیفی و به‌ویژه تحلیل مضمون صورت گرفته است. این حجم از کار که تنها گوشه‌ای از آن در این مقاله بررسی شده نشان‌دهنده قابلیت‌های این روش پژوهشی است. در خصوص کاربرد این روش پژوهشی در آیات قرآن نیز این نکته شایان ذکر است که قابلیت‌های تحلیلی این روش، کمک قابل توجهی به ارزیابی و درک مضامین نهفته در این کتاب شریف، در موضوعات متنوع و مختلف می‌کند اعم از مسائل سیاسی (بهروزی‌لک و همکاران، ۱۳۹۸)، اجتماعی (یاسی و همکاران، ۱۳۹۵)، سلامت جسمانی (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷)، سلامت روان (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴)، فرهنگی-مدیریتی (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹)، رسانه (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷)، و ...

### روش تحقیق

«تحلیل مضمون» معادل فارسی واژه انگلیسی «thematic analysis» می‌باشد. واژه «theme» در فارسی معادل «مضمون»، «زمینه»، «مایه»، «مطلب»، «درون‌مایه»، «موضوع»، «مبحث»، و «ملودی» می‌باشد. معادل فارسی مضمون، «درون‌مایه» است. «موضوع»، یعنی آنچه نویسنده در مورد آن می‌نویسد، که به آن «زمینه فراگیر» یا «تم» نیز می‌گویند و به دو دسته «موضوع اصلی» و «موضوع فرعی» دسته‌بندی می‌شود. «مضمون» نیز دیدگاه نویسنده در خصوص موضوعی است که در پی القای آن به

1. Conversation Analysis.
2. Interpretative Phenomenological Analysis.
3. Discourse Analysis.
4. Grounded Theory.



سازمان دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین، براساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)؛ سپس با دسته‌بندی این مضامین پایه‌ای و تلخیص آنها به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست پیدا می‌کند (مضامین سازمان‌دهنده)؛ در گام سوم این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده شده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن در می‌آیند (مضامین فراگیر) سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود.

برخلاف روش قالب مضامین، شبکه‌های مضامین به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شوند تا تصور وجود هرگونه سلسله‌مراتب در میان آنها از بین برود، باعث شناوری مضامین شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تأکید شود. در این نوع تحلیل، سعی بر این است که از مضامین پایه‌ای که آشکار و مصرح هستند به سوی مضامین انتزاعی‌تر و کلی‌تر حرکت شود تا به مضمون (یا مضامین) اصلی متن دست پیدا کنیم.

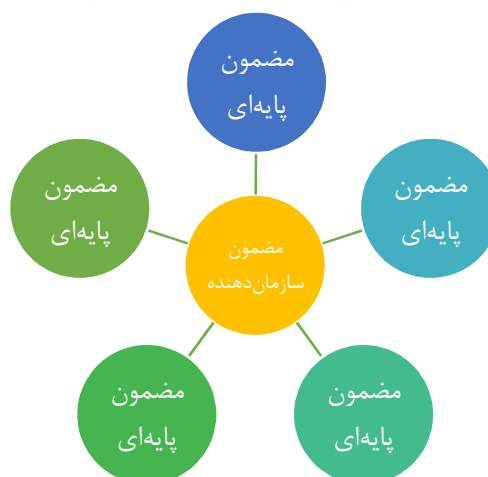
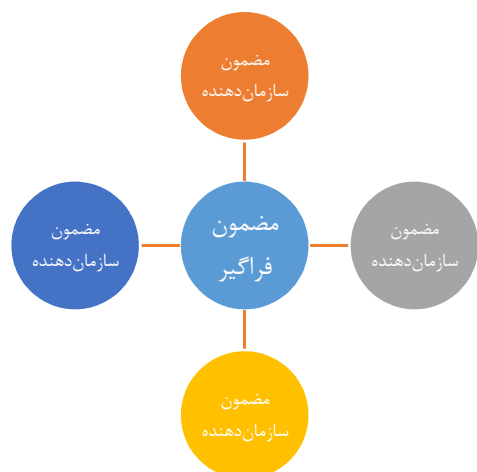
یکی از روش‌های بنیادین تحلیل کیفی در نظر گرفت که با دیگر روش‌های تحلیل فرق دارد که به دنبال تشریح الگوهای داده‌های کیفی هستند؛ مانند روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، نظریه داده بنیاد، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا<sup>۱</sup> (خنیفر و مسلمی ۱۳۹۸). تحلیل مضمون به روش‌های گوناگونی قابل اجرا و استفاده است. چهار روش مرسوم در تحلیل مضمون به این شرح هستند:

یک. قالب مضامین:<sup>۲</sup> معمولاً در تحقیقاتی که تعداد متون و داده‌های آنها زیاد باشد (مثلاً ۱۰ تا ۳۰ منبع) «قالب مضامین» به کار گرفته می‌شود. این روش را نخستین بار «کینگ و هوراکز»<sup>۳</sup> معرفی کردند. در این روش فهرستی از مضامین شناخته در ادبیات نظری یا استخراج شده از متن داده‌ها به صورت درختی و سلسله‌مراتبی تنظیم می‌شود. ویژگی مهم این روش، سازماندهی سلسله‌مراتبی مضامین و گروه‌بندی مضامین سطوح پایین‌تر در قالب خوشه‌ها و ایجاد مضامین سطح بالاتر از آنهاست. پژوهشگر می‌تواند جهت سازماندهی مضامین شناخته، از چهار یا پنج سطح استفاده کند. پس از ایجاد قالب مضامین، این قالب به‌طور پیوسته، بازبینی و اصلاح می‌شود تا جایی که درک کاملی از متن برای پژوهشگر فراهم شود؛

دو. ماتریس مضامین:<sup>۴</sup> از ماتریس مضامین جهت مقایسه مضامین با یکدیگر یا مقایسه مضامین در منابع داده‌ها استفاده می‌شود. این روش را نخستین بار «مایلز و هابرم»<sup>۵</sup> استفاده کردند. ماتریس، اساساً از تقاطع ردیف‌ها و ستون‌ها شکل می‌گیرد و در آن، ترکیبی از دو فهرست به صورت جدول توافقی، عرضه می‌شود. ردیف‌ها و ستون‌های ماتریس مضامین می‌تواند به مضمون‌ها یا منبع داده‌ها یا سایر موارد اختصاص یابد؛

سه. شبکه مضامین:<sup>۶</sup> شبکه مضامین روش مناسبی در تحلیل مضمون است که آتراید-استرلینگ<sup>۷</sup> آن را توسعه داده‌اند. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند، نقش‌های شبیه تارنما به مثابه اصل

1. Content Analysis.
2. Template Analysis.
3. King & Horrocks.
4. Thematic Matrix.
5. Miles & Huberman.
6. Thematic Network.
7. Attride-Stirling.



آموزشی، مراکز خدماتی و... در آن به چه شکلی است؟ ولی ممکن است ما بخواهیم برای شهری که هنوز ساخته نشده است نقشه‌ای طراحی نماییم. در پژوهش صورت گرفته ما کاری شبیه به وضع دوم را داریم؛ یعنی برای تحقق «روان‌شناسی قرآن‌بنیان» اگرچه می‌دانیم چه سازه‌های علمی لازم است که تحقق یابد؛ ولی هنوز به صورت کامل صورت عینی نیافته است. برای تحقق این مهم لازم است که از مسیر علمی خارج نشده و به صورت روشمند وارد کارزار علمی شد. بدین منظور در گام نخست لازم است پس از تحلیل مفهوم فکر در لغت، اصطلاح و روان‌شناسی، مضامین پایه گردآوری شود. این کار در یک جدول مستقل صورت گرفت (جدول شماره ۳). در این بررسی کلیه آیات مرتبط با واژه تفکر در جدولی گردآوری شد تا از این طریق مضامین پایه‌ای استخراج شود. مجموع این مضامین با توجه به آیات تفکر، هجده مضمون است. در گام بعد باید مضامین پایه‌ای سازمان‌دهی شوند که پس از این کار به هفت مضمون سازمان‌دهنده رسیدیم. سرانجام با توجه به محتوای مضامین سازمان‌یافته به دو مضمون فراگیر رسیدیم که همه این مضامین در جدول شماره ۴ بیان شده است. برای درک بهتر رابطه تمامی مضامین موجود در مبحث تفکر به شکل شماره ۱ رسیدیم که در ادامه آمده است.

#### مفهوم‌شناسی تفکر از دیدگاه لغت

واژه تفکر با واژه‌هایی همچون اعتبار، تذکر، تدبّر، نظر، عقل، فهم و علم همسو و مرتبط است؛ گرچه تفاوت‌هایی نیز بین آنها وجود

چهار. تحلیل مقایسه‌ای: <sup>۱</sup> یکی دیگر از روش‌هایی که همراه با تحلیل مضمون به کار می‌رود، تحلیل مقایسه‌ای است. با این روش، مضامین در بین منابع و افراد مختلف با هم مقایسه می‌شوند. از آنجایی که در تحلیل مضمون، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، هم‌زمان است، از تحلیل مقایسه‌ای هنگام جمع‌آوری اطلاعات، کدگذاری داده‌ها، مرور ادبیات نظری و یادداشت‌های پژوهشگر استفاده می‌شود. با این روش، داده‌های به دست آمده از منابع مختلف، با یکدیگر مقایسه و تطبیق می‌شود تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها شناخته شود؛ این فرایند تا جایی ادامه می‌یابد که پژوهشگر احساس کند نکته جدیدی از مقایسه داده‌ها حاصل نمی‌شود. از تحلیل مقایسه‌ای می‌توان برای مقایسه مضامین در بین پاسخ‌دهندگان مختلف (براساس جنسیت، سن، سمت و...) و همچنین برای منابع مختلف داده‌ها (مانند مصاحبه، پرسش‌نامه، گروه کانونی و...) استفاده کرد (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰).

از میان روش‌های چهارگانه یادشده آنچه در این پژوهش استفاده می‌شود روش شبکه مضامین است. این روش به دلیل سادگی و قابلیت نمایش در قالب تارنما و شبکه معنایی، می‌تواند برای پژوهشگر و مخاطب بیشتر قابل استفاده باشد. ما در این پژوهش این معنا را گام‌به‌گام پیش می‌بریم تا دیگر پژوهشگران قرآنی و میان‌رشته‌ای از قابلیت‌های آن بهره‌مند شوند.

گاه ممکن است که ما در یک شهر زندگی کنیم و بخواهیم نقشه‌ای برای آن بکشیم تا معلوم شود که وضع خیابان‌ها، مراکز

1. Comparative Analysis.



مرحوم علامه مصطفوی (۱۳۸۵) در بیان تحقیق این واژه می‌نویسد: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ تَصَرُّفُ الْقَلْبِ وَتَأَمُّلُ مِنْهُ بِالنَّظَرِ إِلَى مَقَدِّمَاتٍ وَدَلَائِلٍ لِيَهْتَدَى بِهَا إِلَى مَجْهُولٍ مَطْلُوبٍ. دگرگونی و اندیشیدن قلب با نظر به مقدمات و دلایل مربوط به آن را به منظور رسیدن به مجهول مورد نظر، فکر گویند».

بنابراین خلاصه معانی گذشته عبارت از این است که تفکر تلاشی روشمند در به‌کار گرفتن قوه اندیشه در موضوع معینی به‌منظور ذیل به شناختی از آن موضوع است که تصویرپردازی آن در ذهن، امکان‌پذیر باشد.

### تفکر در اصطلاح روان‌شناسی

عالی‌ترین دستاوردهای انسان حاصل توانایی او در پرداختن به اندیشه‌های پیچیده، تبادل اندیشه و عمل کردن براساس اندیشه است. اندیشیدن شامل گستره وسیعی از فعالیت‌های ذهنی است.

در همه موارد زیر به‌گونه‌ای سرگرم اندیشیدن هستیم:

۱. هنگام تلاش برای حل مسئله‌ای که در کلاس داده شده؛
۲. غوطه خوردن در خیالبافی پیش از شروع درس؛
۳. تنظیم برنامه تعطیلات؛
۴. نامه نوشتن؛
۵. نگرانی درباره مشکل روابط با فرد دیگری؛
۶. تصمیم‌گیری در خصوص چیزهایی که باید از خواربارفروشی خرید (هیلگارد و همکاران، ۱۳۸۹).

فرایند تفکر دارای مراحل است: ابتدا با مفاهیم سروکار دارد که به منزله عناصر اصلی اندیشه است و خاصیت آن کمک کردن به امر طبقه‌بندی اشیاست. در مرحله بعد نحوه سازماندهی و استنتاج بررسی می‌شود؛ به این معنا که ذهن می‌تواند پس از آن به استدلال بپردازد. نحوه اندیشه تجسمی نیز مرحله‌ای دیگر است که ذهن توان کنار هم قرار دادن صورت اشیاء را دارد و می‌تواند با استخدام صورت اشیاء به نتایجی برسد. در مرحله آخر ذهن می‌کوشد تا با حل مسئله و تصمیم‌گیری، ثمره اندیشه را در عمل متبلور کند (همان). ما برای اینکه بتوانیم تفکر کنیم، نیازی نیست که بدانیم چگونه تفکر می‌کنیم، یا اینکه چگونه طراحی می‌نماییم (علوی، ۱۳۸۵). در بحث تفکر انسان، با مفاهیمی

دارد. حقیقت تفکر، احضار دو معرفت در قلب برای نتیجه گرفتن معرفت سوم و «اعتبار» عبور از دو معرفت به معرفت سوم و تذکر برخورد به دو معرفت است. برخی در تفاوت تفکر با تذکر گفته‌اند: «تفکر» شناخت چیزی است، هرچند قبلاً هیچ‌گونه اطلاعی از آن وجود نداشته باشد؛ ولی «تذکر» در موردی است که انسان قبلاً با آن موضوع هرچند از طریق آگاهی‌های فطری آشنایی داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵). برخی هم تذکر را تفکر در اموری برای راه یافتن به نتیجه‌ای دانسته‌اند که مورد غفلت واقع شده یا پیش از آن مجهول بوده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق). در تفاوت بین تفکر و تدبیر هم گفته شده که «تدبیر» تصرف قلب در توجه به عواقب امور و رموز آن (شعرانی، ۱۳۹۳) ولی «تفکر» تصرف قلب در توجه به ادله است (ابوهلال العسکری، ۱۴۱۲). نظر نیز به معانی مختلفی (شعرانی، ۱۳۹۳) مانند فکر و اندیشه کردن آمده است.

عقل هم به معنای مصدری، ادراک کامل چیزی و به معنای اسمی، حقیقتی است (قوه‌ای است) که خوب و بد و حق و باطل و راست و دروغ را تشخیص می‌دهد (همان). به گفته‌ای، ثمره فکر، علم است و از آن در قلب تغییری حاصل می‌شود که حال نامیده می‌شود و از حال تغییری در جوارح پدید می‌آید که عمل خواننده می‌شود (محبوب، الموسوعه الذهبيه). از این بین، واژه «تفکر» به‌عنوان یک نمونه، با روش کیفی «تحلیل مضمون» از نوع «شبکه مضامین» بررسی می‌شود.

تفکر مصدر ثلاثی مزید از ماده «فکر» است. ابن منظور در لسان‌العرب در بیان معنای لغوی آن می‌نویسد: «الْفِكْرُ وَالْفِكْرُ: إِعْمَالُ الْفِكْرِ فِي الشَّيْءِ؛ فِكْرٌ بِأَفْكَرٍ، بِهٖ كَارُ الْغُرْفَتِمْ ذَهْنَ دَر مَوْضُوعٍ مَعْنِيهِ اسْتِ». راغب اصفهانی در ذیل ماده فکر می‌نویسد: «فکر قوه‌ای است که عالم را به سوی معلوم رهنمون می‌شود و تفکر، به حرکت درآوردن این قوه بر اساس نظر عقل است که فقط برای انسان، امکان‌پذیر است نه حیوان. تفکر فقط در چیزی به کار می‌رود که تصویر کردن آن در قلب، ممکن باشد؛ به همین خاطر روایت شده است که «تفکروا فی آلاء الله و لا تفکروا فی الله»؛ زیرا خداوند از اینکه در قالب صورتی توصیف شود منزّه است».

است که گاه او مرتکب خطا می‌شود. این خطاها در برخی موارد سطحی است و آسیب قابل توجهی در زندگی افراد و جامعه ندارد؛ ولی تکرار خطاهای سطحی و یا بروز خطاهای بزرگ در موقعیت‌ها و جایگاه‌های ویژه اجتماعی (مانند مسئولیت‌های سیاسی) می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را متوجه افراد و جوامع کند. بنابراین لازم است به مؤلفه‌های مؤثر در تصمیم‌گیری توجه بیشتری شود.

**تفکر خلاق:** (والاس در سال ۱۹۲۶ زندگینامه دانشمندان بزرگ را مطالعه و بررسی کرد. او این کار را به این دلیل انجام داد که بتواند مبانی و اصول تفکر خلاق را پیدا کند. او با این کار به چهار مرحله از تفکر خلاق اشاره نموده است که مطالعه و تحقیقات بعدی نیز آن را تأیید کرده‌اند: نخستین مرحله عبارت است از مرحله آمادگی<sup>۹</sup> که عبارت است از نظم بخشیدن به مسئله، جمع‌آوری اطلاعات و کوشش‌های اولیه برای حل آن؛ دومین مرحله عبارت است از مرحله نهفتگی که<sup>۱۰</sup> در این مرحله فرد مسئله را کنار می‌گذارد و برای مدتی به آن فکر نمی‌کند. بعد از این مرحله، مرحله روشن‌سازی<sup>۱۱</sup> (اشراق) شروع می‌شود. در این مرحله، فرد به بینشی در خصوص چگونگی حل مسئله دست می‌یابد. بعد از آن، مرحله واریسی کردن<sup>۱۲</sup> شروع می‌شود. در این مرحله، فرد، راه‌حل را مورد واریسی قرار می‌دهد تا مشخص شود که آیا کارایی دارد یا خیر؟» (همان)

#### مضامین پایه‌ای

پس از روشن شدن مفهوم فکر در لغت و اصطلاح و نیز روشن شدن روش کار، به تفصیل بیشتر نمی‌پردازیم تا بدون داوری سراغ متون مرتبط در قرآن برویم. به همین منظور آیات مرتبط را بررسی می‌کنیم تا مضامین پایه‌ای روشن شود. در جدول شماره ۳ تمامی مضامین پایه بررسی می‌شود.

مانند صورت‌های ذهنی،<sup>۱</sup> گفتار درونی و تفکر کلامی،<sup>۲</sup> روان‌بند،<sup>۳</sup> تصمیم‌گیری<sup>۴</sup> و تفکر خلاق،<sup>۵</sup> سرو کار داریم.

**الف.** صورت‌های ذهنی: زمانی که ما تصمیم داریم از نقطه مشخصی از شهر به نقطه مشخص دیگری جابه‌جا شویم معمولاً از تصاویر ذهنی استفاده می‌نماییم. تصاویر انتزاع شده‌ای که ما هنگام فکر کردن از آن استفاده می‌کنیم سازه‌هایی<sup>۶</sup> هستند که از تصاویر موجود در حافظه بلندمدت<sup>۷</sup> ما ناشی می‌شوند.

**ب.** تفکر کلامی: اکثریت مردم بیشتر اوقات برای حل مسائل خود از کلمات و قواعد دستور زبان استفاده می‌کنند و این کلمات را به عبارات و جملات تبدیل می‌نمایند و به این ترتیب به حل مسئله می‌پردازند. کلمات، قواعد معانی آنها و قواعد ترکیب کردن آنها در حافظه بلندمدت ما قرار گرفته‌اند. وقتی که ما برای اندیشیدن، از کلمات استفاده می‌کنیم، در واقع به حافظه بلندمدت خود مراجعه می‌نماییم و اطلاعات لازم برای اندیشیدن را از این حافظه استخراج می‌کنیم.

**ج.** روان‌بند: روان‌بند یک «ساختار شناختی»<sup>۸</sup> است که بیانگر واقعیات می‌باشد و چگونگی توجه ما به واقعیات را سازماندهی می‌کند. همچنین به‌نحوه عملکرد ما در مقابل آن جهت می‌دهد. مفهوم «روان‌بند» ابتدا توسط روان‌شناسان شناختی بیان شد. آنها این مفهوم را در خصوص این موضوع به‌کار برده‌اند که ما چگونه از اطلاعات استفاده می‌کنیم.

**د.** تصمیم‌گیری: تصمیم‌گیری موضوعی است که روان‌شناسی به آن علاقمند بوده و راجع به آن مطالعه می‌کند. تصمیم‌گیری ارتباط نزدیکی با حل مسئله دارد و گاه تمایز بین آن دو مشکل است. همواره در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم افراد و گروه‌هایی هستند که از طریق رسانه و تبلیغات می‌خواهند بر تصمیمات ما تأثیر بگذارند. بدون شک تصمیمات هر فرد، تابعی از نحوه اندیشیدن وی است. یکی از نتایج تصمیم‌گیری بشر این

1. mental images.
2. Verbal thinking.
3. schema.
4. decision making..
5. creative thinking.
6. constructions.
7. long term memory.
8. cognitive structure.

9. preparation.

10. incubation.

11. illumination.

12. verification.

جدول شماره ۳

ردیف	آیه	مضمون پایه‌ای
۱	قُلْ إِنَّمَا أَعْطَكُم بَوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ قَوْمِ اللَّهِ يُفْقَرُونَ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (سبأ، ۴۶). مکی	مواجهه متفکرانه با حقایقی که با آن روبه‌رو می‌شویم. رسالت و معادانگاری.
۲	وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره، ۲۱۹). مدنی	دو قطبی دنیا و آخرت؛ نحوه سلوک در دنیا نسبت به اموال و دارایی‌ها و امور مورد علاقه.
۳	أَيُّودٌ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّتٌ ضَعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِغْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره، ۲۶۶). مدنی	تفکر در این آیات الهی که همه چیز به يد قدرت الهی است و اگر سطح وابستگی ما به این امور عمیق باشد با چه سطحی از تألم خاطر مواجه خواهیم شد.
۴	قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ (انعام، ۵۰). مکی	نیک اندیشیدن در مدعای پیامبر اکرم ﷺ. یعنی از امور مسلم و قطعی مورد پذیرش برای رسیدن به نتایج مطلوب.
۵	إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ (مدثر، ۱۸). مکی	برقرار کردن ارتباط میان دو معرفت اختصاص به امور خیر و صحیح ندارد. در اینجا این قوه در راه ناصواب استخدام شده است.
۶	أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جَنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (اعراف، ۱۸۴). مکی	با وجود سلامت پیامبر و مجنون نبودن لازم است به هدف پیامبر از این دعوت اندیشه کرد.
۷	أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (روم، ۸). مکی	درون‌نگری و ارتباط برقرار کردن بین این معارف و فرجام آنها
۸	الَّذِينَ يَذُكَّرُونَ لِلَّهِ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا تُسَبِّحُكَ قَبْلَةَ عَذَابِ النَّارِ (آل عمران، ۱۹۱). مدنی	اندیشیدن در عدم بطلان عالم و نتیجه عملی در زندگی
۹	وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرَكَهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مِثْلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْضُ الْقَضَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (اعراف، ۱۷۶). مکی	برخی افراد با دنیاگرایی عاقبت بدی را برای خویش رقم می‌زنند.
۱۰	إِنَّمَا مِثْلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَخَالَطَ بِهِ نُبَاتَ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَطْنَ أَهْلِهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَنَاهَا أَمْرْنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَغْنَبْ بِالْأَنْسِ كَذَلِكَ نَفْضِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (يونس، ۲۴). مکی	حقایق بسیار ساده و به ظاهر پیش پا افتاده.
۱۱	وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنَ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رُجُومًا لِغِيظِ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ وَاللَّيْلِ النَّهَارِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (رعد، ۳). مدنی	اندیشه در زوجیت مخلوقات و برخی آفریدگان زمینه ساز توحید است.
۱۲	يُسَبِّحُ لَكُمْ بِه الرِّزْقِ وَالرِّزْقُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنَ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (نحل، ۱۱). مکی	تفکر در محصولات زراعی و باغی و نعمت‌های دیگر زمینه دیگری برای انتقال به حقایق متعالی است.
۱۳	بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (نحل، ۴۴). مکی	تفکر و اندیشیدن در کلام و دلایل نبی مکرم اسلام (گویا قرآن به دنبال آموزش یک الگو در مواجهه با حقایق و واقعیت‌های پیرامون‌مان است) در صورتی که ما می‌توانیم آنها را سرکوب کنیم، شدت آن را کاهش دهیم، کم اهمیت جلوه دهیم، حذف کنیم و...
۱۴	ثُمَّ كَلِمَةٌ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكْهُنَّ مِنْ بَيْنِ يَدَيْ رَجُلٍ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ يَخْرُجُ مِنْ بَطْنِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (نحل، ۶۹). مکی	تفکر در اینکه سلامتی و کمال ما در نقطه‌ای دوردست نیست که قابل دستیابی نباشد؛ بلکه در اطراف ماست و با تفکر می‌توانیم به آن دست یابیم.
۱۵	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم، ۲۱). مکی.	نیازمندی به جنس مخالف در تکامل و رسیدن به سکونت.
۱۶	اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فِيمَا سَلَتْهُ مِنَ الْأَمْرِ عَمَّا تَعْمَلُ لَوِ تَرَىٰ فِي مَنَامِكَ وَإِنَّكَ أَنتَ بِالْأَعْيُنِ بِمَا تَعْمَلُ تَوَفَّىٰ الْإِنْسَانَ بِمَا كَسَبَ إِنَّهُ لَا يُجْرِي الْحِسَابَ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (سجده، ۴۲). مکی	حقیقتی دیگر به نام موت و خواب و قدرت خداوند در تدبیر این امور و ناتوانی ما.
۱۷	وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (جاثیه، ۱۳). مکی	اندیشیدن در دلیل این تسخیر و اینکه حق تعالی چه هدفی را از امر دنبال کرده است؟
۱۸	لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (حشر، ۲۱). مدنی	تفکر در مورد کاملاً سطح عالی و معقول برای اهل آن.

## سازماندهی مضامین پایه‌ای

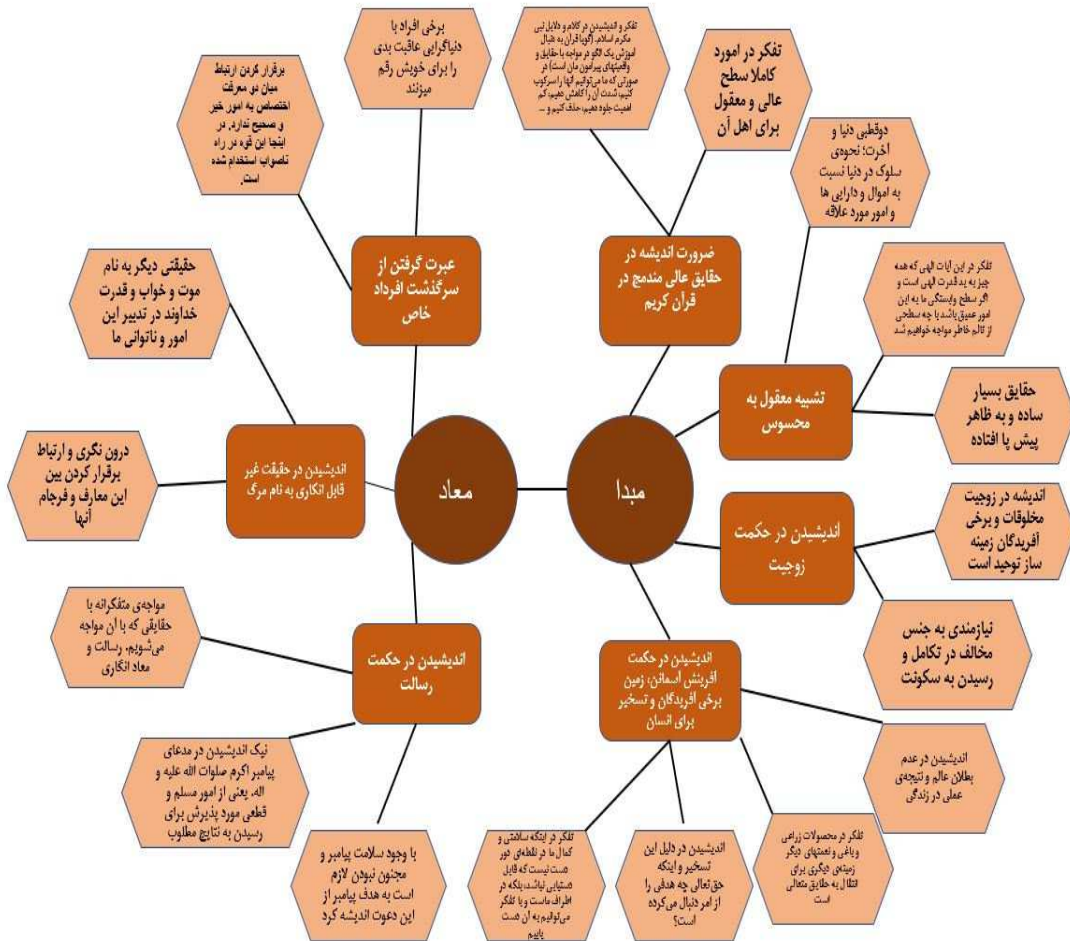
پس از دست یافتن به مضامین پایه‌ای اکنون نوبت آن می‌رسد که مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر با توجه به مضامین پایه‌ای بررسی شود. در این مرحله از تحلیل مضمونی هدف ما

سازماندهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه‌ای، به مضامین انتزاعی‌تر است تا از این رهگذر به مضامین اصلی و فراگیر رهنمون شویم. حاصل این بررسی در جدول ذیل گزارش می‌شود.

جدول شماره ۴

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	تفکر در مورد کاملاً سطح عالی و معقول برای اهل آن (حشر، ۲۱). مدنی	ضرورت اندیشه در حقایق عالی مندرج در قرآن کریم	اندیشیدن به برخی از آیات مرتبط با تفکر توجه به مبدأ (توحید) را به ارمغان می‌آورد.
۲	تفکر و اندیشیدن در کلام و دلایل نبی مکرم اسلام (گویا قرآن به دنبال آموزش یک الگو در مواجهه با حقایق و واقعیت‌های پیرامون مان است) در صورتی که ما می‌توانیم آنها را سرکوب کنیم، شدت آن را کاهش دهیم، کم‌اهمیت جلوه دهیم، حذف کنیم و... (نحل، ۴۴). مکی		
۳	اندیشه در زوجیت مخلوقات و برخی آفریدگان زمینه‌ساز توحید است (رعد، ۳). مدنی	اندیشیدن در حکمت زوجیت	
۴	نیازمندی به جنس مخالف در تکامل و رسیدن به سکونت (روم، ۲۱). مکی	تشبیه معقول به محسوس	
۵	دو قطبی دنیا و آخرت؛ نحوه سلوک در دنیا نسبت به اموال و دارایی‌ها و امور مورد علاقه (بقره، ۲۱۹). مدنی		
۶	تفکر در این آیات الهی که همه چیز به بد قدرت الهی است و اگر سطح وابستگی ما به این امور عمیق باشد با چه سطحی از تألم خاطر مواجه خواهیم شد (بقره، ۲۶۶). مدنی		
۷	حقایق بسیار ساده و به ظاهر پیش پا افتاده. (یونس، ۲۴). مکی		
۸	اندیشیدن در عدم بطلان عالم و نتیجه عملی در زندگی (آل عمران، ۱۹۱). مدنی		
۹	تفکر در محصولات زراعی و باغی و نعمت‌های دیگر زمینه دیگری برای انتقال به حقایق متعالی است. (نحل، ۱۱). مکی	اندیشیدن در حکمت آفرینش آسمان، زمین، برخی آفریدگان و تسخیر برای انسان	
۱۰	اندیشیدن در دلیل این تسخیر و اینکه حق تعالی چه هدفی را از امر دنبال کرده است؟ (جاثیه، ۱۳). مکی		
۱۱	تفکر در اینکه سلامتی و کمال ما در نقطه‌ای دور دست نیست که قابل دستیابی نباشد؛ بلکه در اطراف ماست و با تفکر می‌توانیم به آن دست یابیم (نحل، ۶۹). مکی		
۱۲	مواجهه متفکرانه با حقایقی که با آن روبه‌رو می‌شویم. رسالت و معادانگاری (سبأ، ۴۶). مکی	اندیشیدن در حکمت رسالت	اندیشیدن به برخی از آیات مرتبط با تفکر توجه به معاد (آخرت) را به ارمغان می‌آورد.
۱۳	نیک اندیشیدن در مدعای پیامبر اکرم ﷺ. یعنی از امور مسلم و قطعی مورد پذیرش برای رسیدن به نتایج مطلوب (انعام، ۵۰). مکی		
۱۴	با وجود سلامت پیامبر و مجنون نبودن لازم است به هدف پیامبر از این دعوت اندیشه کرد (اعراف، ۱۸۴). مکی	اندیشیدن در حقیقت غیرقابل انکاری به نام مرگ	
۱۵	حقیقتی دیگر به نام موت و خواب و قدرت خداوند در تدبیر این امور و ناتوانی ما (زمر، ۴۲). مکی		
۱۶	درون‌نگری و ارتباط برقرار کردن بین این معارف و فرجام آنها (روم، ۸). مکی	عبثت گرفتن از سرگذشت افراد خاص	
۱۷	برخی افراد با دنیاگرایی عاقبت بدی را برای خویش رقم می‌زنند (اعراف، ۱۷۶). مکی		
۱۸	برقرار کردن ارتباط میان دو معرفت اختصاص به امور خیر و صحیح ندارد. در اینجا این قوه در راه ناصواب استخدام شده است (مدثر، ۱۸). مکی		

در شکل شماره ۱ رابطه بین مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر در قالب شبکه‌ای از مفاهیم به نمایش درآمده است.



شکل شماره ۱

**کشف و توصیف شبکه مضامین**

با بررسی و تحلیل مضامین پایه‌ای مرتبط با تفکر و سازماندهی آن مضامین به مضمون‌های سازمان‌دهنده، به دو مضمون فراگیر می‌رسیم: ۱. توجه به مبدأ (توحید) و ۲. توجه به معاد (آخرت). با توجه به اینکه هدف قرآن هدایت، رشد و تعالی انسان است، بدین منظور از سازوکاری به نام «تفکر» (به‌عنوان یکی از فرایندهای هدایت‌گر هوشمند)<sup>۱</sup> استفاده می‌شود تا او را متوجه مبدأ و معاد کند. این فرایند (تفکر) همانند فرایندهای دیگری که

چنین ظرفیتی را دارند (تعقل)<sup>۲</sup>، تذکر<sup>۳</sup>، توکل<sup>۴</sup>، توسل<sup>۵</sup> (...) می‌تواند زمینه‌ای را فراهم کند تا فرد از ساده‌ترین مسیرها (مانند حقیقت مرگ، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، التفات به کائنات، توجه به دغدغه‌های رسولان الهی، گوش فرادادن به آموزه‌های قرآنی و...) به عمیق‌ترین نتایج برسد. بنابراین با استفاده از روش تحلیل مضامین می‌توان با دسته‌بندی آیات قرآن (در مقیاس‌های مشابه) به نتایج و اهداف قرآن رهنمون شد.

۲. بقره، ۱۷۹ و ۲۶۹؛ آل عمران، ۷ و ۱۹۰؛ یوسف، ۱۱۱؛ رعد، ۱۹؛ ابراهیم، ۵۲؛ صاد، ۲۹ و ۴۳؛ زمر، ۹، ۱۸ و ۲۱؛ غافر، ۵۴؛ طلاق، ۱۰.  
 ۳. رعد، ۱۹؛ طه، ۴۴؛ فاطر، ۳۷؛ ص، ۲۹؛ زمر، ۹؛ غافر، ۱۳؛ نازعات، ۳۵؛ فجر، ۲۳؛ بقره، ۲۲۱ و ...  
 ۴. توبه، ۱۲۹؛ یونس، ۷۱؛ هود، ۵۶ و ۸۸؛ یوسف، ۶۷؛ رعد، ۳۰؛ شوری، ۱۰ و ...  
 ۵. مائده، ۳۵؛ اسراء، ۵۷.

۱. مراد از هوشمندی فرایندی به نام تفکر این است که چنانچه انسان براساس فطرت پاک خود در آیات مرتبط با حوزه تفکر (مقصود ۱۸ آیه بیان شده در متن است) بیندیشد، به‌صورت کاملاً خودکار (Automatic pilot) به سمت مبدأ و معاد رهنمون خواهد شد.



۱. قرآن محوریت دارد. محوریت قرآن به‌عنوان یک منبع شناخت و معرفت، به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در میان اندیشه دینی مسلمانان دارد از جمله امور بدیهی است که نیاز به اثبات ندارد؛ بلکه کنار گذاردن آن از سبب فهم و معرفت عمومی و اختصاصی مخاطبان مسلمان خود نیازمند توضیح و توجیهی محکمه پسند دارد؛

۲. محدود به روش‌های مرسوم در بررسی یک سازه روان‌شناختی نمی‌شود. در بررسی‌های مرسوم علمی و دانشگاهی آنچه محور ارزش‌گذاری معرفتی است، تجربی بودن، تکرارپذیری، قابل اثبات و ابطال بودن و... است؛ اما در کاری که از نظر خواننده محترم گذشت، روش نقلی نیز معرفت‌زاتلقی شده است که اثبات علم‌آفرینی آن مجال دیگری می‌طلبد؛

۳. به زبان رایج و علمی محافل دانشگاهی و حوزوی قابل فهم و اشتراک‌گذاری است؛ یعنی با روش‌های مرسوم تحقیق صورت می‌پذیرد و با بیانی کاملاً روشن مدعای خویش را مطرح می‌کند. آنچه در این تحقیق رقم خورد این بود که با کمک روش پژوهش کیفی، مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر متنی که در جای خود اعتبار و روایی یافته است، استخراج، ارزیابی و تحلیل شد؛ یعنی این کار با ادبیات علمی رایج مسیری را که حوزه روان‌شناسی طی کرده است و به دنبال علم و حقیقت است تا راه جدیدی را پیش روی مخاطبان خود قرار دهد؛

۴. با داده‌های دیگر شاخه‌های علمی و همچنین محتوای دین سازگار است. برای تحقق جامعه اسلامی و قرآنی تنها به یک شاخه از علم نمی‌توان اکتفا کرد؛ بلکه لازم است مجموعه‌ای از علوم در کنار یکدیگر قرار بگیرد تا نیازهای جامعه برطرف شود. بنابراین روان‌شناسی قرآن‌بنیان، به دلیل قرآن‌بنیان بودن با دیگر شاخه‌های علمی سازگار خواهد بود که برخاسته از محتوای قرآنی است؛

۵. بومی است و وارداتی نمی‌باشد. نیاز یک جامعه به رشد و بالندگی بر ارزش‌های حاکم بر آن مبتنی است. جامعه‌ای که می‌خواهد مبتنی بر ارزش‌های خویش رشد کند نمی‌تواند داده‌های علمی وارداتی را مبنای کار خویش قرار دهد.

این پژوهش با محوریت قرآن و تحلیل هجده آیه از آیات مکی و مدنی از سوره‌های مختلف قرآن کریم به استخراج

گفتنی است این کار صرفاً یک بررسی اولیه است تا زمینه برای تحلیل‌های عمیق‌تر فراهم شود و هرگز جایگزینی برای تفسیر یا تأویل آیات قرآن نمی‌باشد؛ بلکه به پژوهشگر این کمک را می‌کند که با دسته‌بندی جدید و بدیعی از آیات که منافاتی با ظواهر آن ندارد، به نتایج جدید و کاربردی‌تری برسد.

مبدأ و معاد محور اصلی آیاتی است که ما را به تفکر دعوت می‌کند. بنابراین قطع نظر از ایمان و اعتقاد افراد، چنانچه انسان بی‌غرضی از این مسیر استفاده نماید و به زمینه‌هایی بیندیشد که قرآن پیشنهاد می‌کند، نیک درمی‌یابد که این عالم و آفریدگان موجود در آن و نعمت‌ها و چالش‌های پیش‌روی او دو هدف اصلی را دنبال می‌کند: یکی به دنبال متوجه کردن انسان به سرآغاز آفرینش است و دیگری در پی التفات آدمی به سرانجام. شکل شماره ۲ خلاصه‌ای از ارتباط انسان را با مضامین فراگیر نشان می‌دهد.



شکل شماره ۲

### نتیجه‌گیری

برای تحقق «روان‌شناسی قرآن بنیان» نیاز به بررسی‌های ساختار یافته و روشمند در تمامی حوزه‌های مشترک و غیرمشترک میان روان‌شناسی رایج و دیدگاه‌های قرآنی و اسلامی وجود دارد. بررسی و تحلیل «تفکر» به‌عنوان یکی از سازه‌های روانی مشترک میان قرآن و روان‌شناسی می‌تواند این بستر را فراهم کند تا با تحلیل‌های کیفی و استخراج مضامین قرآنی و سپس مقایسه با داده‌های روان‌شناختی مقدمات شکل‌گیری حوزه جدیدی از دانش را تجربه کنیم که در آن:



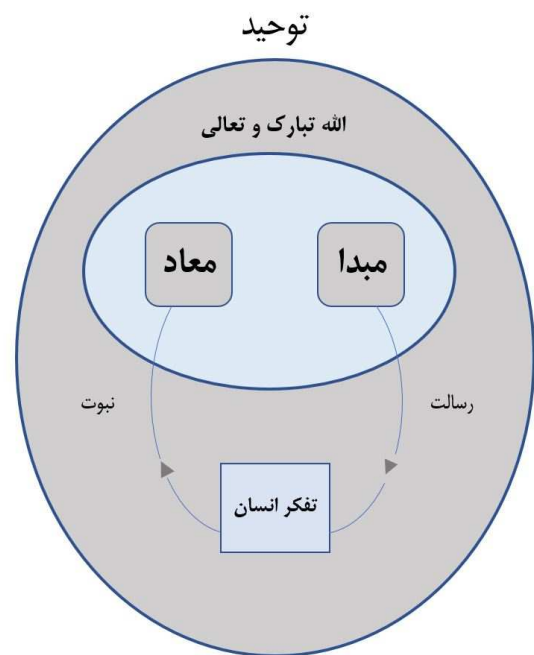
قرآنی تفکر فرایندی است که اگر درست تحقق یابد می‌تواند به زندگی انسان معنا دهد و هدف از آفرینش را به انسان گوشزد نماید و سازوکارهای تسهیلی<sup>۲</sup> خداوند در این زمینه را بفهمد. این برداشت توسط کلانتری (۱۳۸۶) در «تفکر و منابع آن از دیدگاه قرآن کریم» مورد تأیید قرار گرفته است. نیز در اینکه فکر می‌تواند زمینه‌ساز تبه به مبدأ را به دنبال داشته باشد توسط رئیسی (۱۳۹۷) در «جایگاه و نحوه تعامل فکر و ذکر در سنت اول عرفانی» مورد تأکید است.

لازمه تفکر براساس اندیشه قرآنی، معنا، جهت و هویت‌دهی به سبک زندگی فرد مسلمان است که در سایه دو مفهوم «مبدأ» و «معاد» حاصل می‌شود. این دستاورد زمینه‌ساز اندیشه، رفتار و بروز هیجانات متناسب با محتوای فکر دینی خواهد بود که سرانجام افزون‌بر جامعه‌پردازی اسلامی به سعادت فردی و اجتماعی منجر می‌شود.

در کنار اختلاف دیدگاه‌های روان‌شناسی و قرآن در حوزه تفکر نقاط مشترکی نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال، تفکر در معنای روان‌شناختی آن «افزون‌بر مفهوم‌سازی و حل مسئله، شامل سه نوع پردازش ذهنی عالی دیگر یعنی تفکر انتقادی، استدلال و تصمیم‌گیری نیز هست. این سه پردازش ذهنی عالی مستلزم ایجاد شدن اتصالات بسیار زیاد بین سلول‌های عصبی و توانایی قضاوت کردن هستند. نتیجه نهایی این نوع تفکر نیز یک ارزیابی، نتیجه‌گیری و تصمیم است (سانتراک، ۲۰۰۳)». در نقطه مقابل (در دیدگاه قرآنی) نیز در بیشتر آیات هجده‌گانه، تفکر به همین معناست و در نهایت قرار است با دعوت قرآن، انسان‌ها به یک ارزیابی، نتیجه‌گیری و تصمیم برسند.<sup>۳</sup> هرچند تفاوت‌هایی در جهت‌گیری تصمیم‌ها وجود دارد، ولی اصل ارزیابی، نتیجه‌گیری و تصمیم، یکسان است.

براساس تحلیل‌های صورت گرفته معلوم می‌شود که این ظرفیت در روش پژوهشی تحلیل تم وجود دارد که بتوان سازه‌های روان‌شناختی را با استفاده از این روش تحلیل کرد و مضامین موجود در آیات و روایات را از این طریق به‌دست آورد و زمینه تحقیق روان‌شناسی قرآن بنیان را ایجاد کرد.

مضامین پایه پرداخت و در گام بعد با تحلیل این مضامین به هفت مضمون سازمان‌دهنده رسید. این مضامین سازمان‌دهنده قابلیت استخراج سه مضمون فراگیر مبدأ، معاد و رسالت را داشت که با دقت بیشتر در آیات روشن شد که در مقایسه با دو مضمون فراگیر دیگر مضمون رسالت اصالت ندارد و آنچه اصیل است مبدأ و معاد است که تفصیل یافته‌ای از «الله تبارک و تعالی»<sup>۱</sup> است. در شکل شماره ۳ این نتایج در قالبی تصویری به نمایش درآمده است.



شکل شماره ۳

آنچه از مقایسه سازه تفکر در روان‌شناسی و قرآن قابل فهم است این است که در روان‌شناسی تلاش قابل‌تقدیری در تحلیل فرایند و مراحل تحقق فکر صورت گرفته که ثمره چنین تحلیلی این است که در مشاوره و روان‌درمانی (مایکل فری، ۱۳۸۸) می‌توان اشکال و گره کار را یافت که در چه مرحله‌ای فرد نیاز به کمک دارد؛ ولی جهت خاصی تحت عناوین ارزشی ندارد تا معلوم شود که این تفکر چه هدف یا اهدافی را دنبال می‌کند و سرانجام به دنبال بازایی تعادل از دست‌رفته ارگانیزم انسانی است. اما در نگاه

۱. این معنا در آیه ۱۵۶ از سوره بقره به‌صورت کامل قابل برداشت است: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

۲. مراد از سازوکارهای تسهیلی، مسئله رسالت و نبوت است که در شکل شماره ۳ به آن اشاره شده است.

۳. سبأ، ۴۶؛ بقره، ۲۱۹ و ۲۶۶؛ انعام، ۵۰؛ اعراف، ۱۸۴؛ روم، ۸؛ آل‌عمران، ۱۹۱؛ اعراف، ۱۷۶؛ یونس، ۲۴؛ رعد، ۳؛ نحل، ۱۱.

## منابع

## \* قرآن کریم

۱. آراسته، حمیدرضا و همکاران (پاییز ۱۳۹۸)، «ارائه الگوی تعالی سازمانی بر پایه قرآن کریم»، فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی، س ۱۴، ش ۳، ص ۳۸۷-۴۰۵.
۲. ابراهیم‌زاده دستجردی و همکاران (بهار و تابستان ۱۳۹۹)، «شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مدیر اثربخش فرهنگی از منظر قرآن کریم»، مدیریت در دانشگاه اسلامی، س ۹، ش ۱، ص ۱۸۵-۲۰۲.
۳. ابراهیمی، اسماء و همکاران (۱۳۹۶)، «آسیب‌شناسی روانی از منظر قرآن: تحلیل مضمون»، نشریه اسلام و سلامت، دوره دوم، ش ۳۴، ص ۱۵-۲۴.
۴. ابراهیمی، اسماء و همکاران (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی روانی از منظر قرآن، تحلیل مضمون»، نشریه اسلام و سلامت، ش ۳-۴، ص ۱۵-۲۴.
۵. ابن منظور، محمدبن مکرم (بی‌تا)، لسان‌العرب، بیروت-لبنان، انتشارات دارالفکر.
۶. ابوهلال العسکری (م. ۳۹۵/ق ۱۴۱۲ ق)، معجم الفروق اللغویه، ج ۱، ص ۱۲۱، قم: انتشارات اسلامی.
۷. افتخاری، قاضی‌زاده (۱۳۹۷)، «تحلیل تماتیک امنیت و آزادی اندیشه از منظر امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)»، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۸، ش ۲۹، ص ۳۳-۵۸.
۸. بهادری، آتنا (۱۳۹۸)، «تحلیل مضمون عهدنامه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با مالک اشتر»، فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، س ۷، ش ۲۸، ص ۵۷-۷۷.
۹. بهروزی‌لک، غلام‌رضا و حسین میرچراغ‌خانی (بهار ۱۳۹۸)، «کشف دلالت‌های اجتماعی سیاسی سوره نمل با روش تحلیل محتوای کیفی»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، س ۲۴، ش ۱، پی‌اپی ۹۰، ص ۵-۳۰.
۱۰. پاک‌سرشت، حسینی، اینانلو (۱۳۹۱)، «تحلیل تماتیک رفتارهای بدنی در بین دختران و زنان تهرانی»، نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۸، ش ۲۸، ص ۱۴۷-۱۶۹.
۱۱. جعفری، ابوالفضل و همکاران (۱۳۹۸)، «تحلیل مضمون تصویر بازار از منظر اسلام»، فصلنامه علمی اقتصاد بانکداری اسلامی، ش ۲۹، ص ۱۷۱-۱۹۳.
۱۲. جی‌تریسی، سارا (۲۰۱۳)، روش‌های تحقیق کیفی، ترجمه حسین خنیفر و طاهره منیری‌شریف (۱۳۹۴)، تهران: انتشارات مهریان نشر.
۱۳. خان‌احمدی، اسماعیل (۱۳۹۹)، «تحلیل مضمون تشکیل و توسعه نیروی دریایی راهبردی در اندیشه دفاعی امام‌خامنه‌ای (مدظله)»، فصلنامه علمی آموزش علوم دریایی، ش ۲۱، ص ۱۲۵-۱۳۸.
۱۴. خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۸)، اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، ج ۱، تهران: انتشارات نگاه دانش.
۱۵. دلاور، علی (بهار ۱۳۸۹)، «روش‌شناسی کیفی»، فصلنامه راهبرد، س ۱۹، ش ۵۴، ص ۳۰۷-۳۰۹.
۱۶. راغب‌اصفهان‌ی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۱۲ ق یا ۱۹۹۲ م)، مفردات الفاظ قرآن‌الکریم، دارالشامیه، بیروت-لبنان.
۱۷. ربانی، حوریه، بانکی‌پورفرد، امیرحسین (۱۳۹۵)، «تحلیل کیفی جایگاه و اخلاق مادری در تفسیر نمونه»، فصلنامه علمی-ترویجی اخلاق، س ۶، ش ۲۱، ص ۱۷۹-۲۱۲.
۱۸. رحمان‌یاسی و همکاران (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، «الگوی خط‌مشی‌گذاری انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم»، دو فصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، ش ۷، ص ۷-۳۱.
۱۹. ردادای محسن؛ جلال درخشه و اصغر افتخاری (پاییز ۱۳۹۴)، «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، جستارهای سیاسی معاصر»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۶، ش ۳، ص ۵۳-۷۲.
۲۰. رسول‌زاده اقدم، عدلی‌پور، محمدی (۱۳۹۵)، «تحلیل تماتیک موانع و مشکلات پیش روی ازدواج جوانان»، دومین همایش ملی سبک زندگی و خانواده پایدار، کد COI مقاله: LIFESTYLE02\_131.

۲۱. رضا فراشبند و همکاران (۱۳۹۹)، «واکاوی مفهوم مثبت‌اندیشی در آموزه‌های حضرت علی (علیه السلام) به منظور ارائه دلالت‌های تربیتی و اعتبار بخشی آن»، فصلنامه علمی و پژوهشی قرآن و طب، دوره ۵، ش ۲، ص ۴۳-۵۸.
۲۲. رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۸)، «تحلیل مضمون الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت و کاربرد آن در معماری الگوی بومی توسعه روستایی»، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۳، ص ۱۸۱-۱۹۷.
۲۳. رضوی، سیدمصطفی و همکاران (۱۳۹۲)، بازکاوی روش تحقیق آمیخته، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. رئیسی، احسان (۱۳۹۷)، «جایگاه و نحوه تعامل فکر و ذکر در سنت اول عرفانی»، دوفصلنامه پژوهش‌نامه عرفان، س ۹، ش ۱۸، ص ۷۴-۹۳.
۲۵. زودرنج، صدیقه و همکاران (بهار ۱۳۹۵)، «زنجیره منظم معنایی درون‌مایه‌ها در صحنه‌های داستان یوسف (علیه السلام) در قرآن کریم»، فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات متون ادبی اسلامی، س ۱، ش ۱، ص ۶۷-۸۶.
۲۶. سانتراک، جان (۲۰۰۳)، «زمینه روانشناسی سانتراک»، ترجمه فیروزبخت، مهرداد (۱۳۸۳)، تهران: رسا.
۲۷. الشعرانی (م. ۱۳۹۳ق)، نشر طوبی، ج ۲، ص ۴۷۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸ ق.
۲۸. شیخ‌زاده و دیگران (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی»، س ۵، ش ۲، شماره پیاپی ۱۰، ص ۱۵۱-۱۹۸.
۲۹. الطباطبایی (۱۴۱۷ق)، میزان، ج ۸، بیروت: اعلمی.
۳۰. طیار، نژاد، رامین و همکاران (۱۳۹۹)، «واکاوی عوامل ایمان‌ناپذیری اقوام از دیدگاه قرآن کریم با روش تحلیل محتوای مضمونی»، فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (علیها السلام)»، س ۱۷، ش ۴، ص ۱۴۳-۱۷۳.
۳۱. عباس‌زاده، روح‌الله و همکاران (بهار و تابستان ۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های نظریه‌های هنجاری رسانه‌های جمعی در قرآن»، دو فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، س ۱۰، ش ۱۹، ص ۲۵-۴۸.
۳۲. علوی، سیدکامران (۱۳۸۵)، تفکر و زبان، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳۳. قاسمی روشناوند؛ حسن بحرالعلوم و معصومه امامی روشناوند (پاییز و زمستان ۱۳۹۷)، «تحلیل مضمون تربیت بدنی و تقویت قوای جسمانی مبتنی بر آیات قرآن کریم»، پژوهش در ورزش تربیتی، ش ۱۵، ص ۷۳-۹۴.
۳۴. قاسمی‌زاد و همکاران (پاییز ۱۳۹۷)، «شناسایی مؤلفه‌های مدیریت زمان از منظر آموزه‌های اسلامی و اعتباربخشی آن توسط مدیران آموزشگاهی»، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، س ۳، ش ۳، شماره پیاپی ۸، ص ۸۵-۱۰۰.
۳۵. کلاتری، ابراهیم (زمستان ۱۳۸۶)، «تفکر و منابع آن از دیدگاه قرآن کریم»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، س ۳، ش ۱۱، ص ۲۳-۴۷.
۳۶. مایکل فری (۱۳۸۸)، شناخت‌درمانی گروهی، ترجمه مسعود جان‌بزرگی، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
۳۷. محجوب، فاطمه، (۱۹۹۳م) «الموسوعة الذهیبیه»، ۲۱ ج. قاهرة: دارالغد العربی.
۳۸. محمدی، قدرت‌الله و همکاران (۱۳۹۶)، «تدوین الگوی مدیریت جهادی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی)»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، س ۲۰، ش ۷۵، ص ۵-۳۰.
۳۹. مصطفوی، حسن (۱۳۸۵ش)، التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، تهران: انتشارات مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۴۰. معینی، علیرضا (۱۳۹۸)، «تحلیل مضمون سیاست‌های اقتصاد خانواده در ایران»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۸۳، ص ۸۱-۱۰۴.
۴۱. مکارم شیرازی و دیگران (۱۳۷۵ش)، تفسیر نمونه، ج ۹، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. مهري کریم؛ بهجت یزدخواستی و محمدحسین پناهی (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، «سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، س ۴، ش ۱۰، ص ۷۵-۹۷.

۴۳. مینایی و سیدحسینی (۱۳۹۴)، «تحلیل تماتیک سبک زندگی در بازی رایانه‌ای سیمز»، نشریه مطالعات رسانه‌ای، دروه ۱۰، ش ۲۸، ص ۱۱۱-۱۲۵.
۴۴. نصیری، امید و همکاران (۱۳۹۸)، «شبکه مضامین عوامل ایجاد فقر در جامعه اسلامی از منظر آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام)»، دو فصلنامه علمی مطالعات قرآن و حدیث، س ۱۳، ش ۱، ص ۱۵۹-۱۸۷.
۴۵. نوشین‌فرد و همکاران (تابستان ۱۳۹۷)، «مطالعه مفاهیم اخلاق اجتماعی قرآن کریم به منظور مقوله‌بندی آیات»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، س ۱۰، ش ۳۹، ص ۸۳-۱۳۷.
۴۶. هیلگارد (۱۳۸۹)، زمینه روان‌شناسی، ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران، تهران: انتشارات رشد.
۴۷. یاسی و همکاران (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، «الگوی خط‌مشی‌گذاری انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم»، دو فصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، ش ۷، ص ۷-۳۱.
48. Dennis Howitt (2016), *Introduction to Qualitative Research Methods in Psychology* (3th Edition), United Kingdom, Pearson Education Limited.